

Pathology of Thinking and Lifestyle Curriculum in First Secondary School

آسیب شناسی برنامه درسی تفکر و سبک زندگی در دوره متوسطه اول

M. Sarabi^{1*}, P. Ahmadi²مرضیه سرابی^{۱*}، پروین احمدی^۲

1. Ph.D student of Curriculum, Alzahra University, Tehran, Iran; 2. Ph.D in Curriculum, Associate Professor of Alzahra University, Tehran, Iran

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
۲. دکتری برنامه ریزی درسی، دانشیار دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

Abstract

چکیده

Purpose The present study aimed at evaluating thinking and lifestyle curriculum based on Francis Klein's theory from the perspective of thinking and lifestyle teachers and students.

هدف: هدف پژوهش حاضر، شناسایی آسیب‌های موجود در عناصر برنامه درسی تفکر و سبک زندگی مطابق با مدل علمی فرانسیس کلاین، از دیدگاه معلمان درس تفکر و سبک زندگی و دانش‌آموزان بوده است.

Methods: The research method was descriptive-analytical. For collecting data, library information, articles, authoritative scientific sites and semi-structured interview were used.

روش: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به منظور دستیابی به آسیب‌های برنامه درسی تفکر و سبک زندگی از روش توصیفی-تحلیلی و شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات، منابع کتابخانه‌ای، مقالات، سایت‌های معتبر علمی استفاده شد. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختار یافته بود.

The statistical population was consisted of thinking and lifestyle teachers and students of the first high school of Tehran in the academic year of 1396-97. A targeted sampling method was used to select teachers and students. The sample was determined by theoretical saturation criterion, that after interviewing with 15 teachers and 20 students, interview was saturated. The method of categorization and coding was used to analyze the data from the interview.

جامعه آماری شامل معلمان درس تفکر و سبک زندگی دوره متوسطه اول شهر تهران و دانش‌آموزان پایه هفتم در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بوده است. برای انتخاب معلمان و دانش‌آموزان از روش نمونه‌گیری هدفمند و با قاعده‌ی اشباع نظری استفاده شد. به این صورت که بعد از مصاحبه با ۱۵ نفر از معلمان و ۲۰ نفر از دانش‌آموزان به حد اشباع رسید. برای بررسی روایی از روایی سازه، درونی و بیرونی و برای پایایی از روش بررسی اعضا و بررسی همکار استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از شیوه مقوله‌بندی و کدگذاری استفاده گردید.

Methods: According to the findings of the research, the damage to the thinking and lifestyle curriculum elements from the perspective of the teachers, the learning activities, the educational materials, evaluation, grouping and time of education, and, from the students' point of view, the learning activities, evaluation, the educational materials, time and space of education.

یافته‌ها: براساس یافته‌های پژوهش، آسیب‌های موجود در عناصر برنامه درسی تفکر و سبک زندگی از دیدگاه معلمان، فعالیت‌های یادگیری، مواد آموزشی، ارزشیابی، گروه‌بندی و زمان آموزشی و از دیدگاه دانش‌آموزان، فعالیت‌های یادگیری، ارزشیابی، مواد آموزشی، زمان و فضای آموزشی بوده است.

Keywords: Pathology, Curriculum, Thinking, Lifestyle

کلید واژه‌ها: آسیب‌شناسی، برنامه درسی، تفکر، سبک زندگی

Accepted Date: 2019/03/19

Received Date: 2018/07/15

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۲۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۸

مقدمه و بیان مسئله

با گسترش سریع حوزه‌های مختلف علوم و رشد فزاینده فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، پرورش همه جانبه کودکان و نوجوانان برای آماده‌سازی آنان جهت ورود به عرصه‌های مختلف زندگی فردی و جمعی، امری است که بیشتر کشورهای جهان به آن توجه ویژه نموده‌اند. بدیهی است که شکوفایی همه استعدادها و قابلیت‌ها منحصر به پردازش اطلاعات و یادگیری داده‌های علوم فنی، تجربی و انسانی نیست تا همگی کودکان و نوجوانان به صورت انسان‌هایی نخبه و متخصص در یک فن یا رشته بار آیند؛ زیرا به دلیل تفاوت‌های فردی و محیطی، همه افراد جامعه به طور تخصصی توان مشارکت در تولید علم و اثرگذاری در رشد، پیشرفت و توسعه علمی کشور را ندارند؛ لیکن می‌توان جامعه‌ای را ترسیم کرد که در کنار تربیت متخصصان و نخبگان علمی در راستای پیشرفت و توسعه علمی و آبادانی کشور، همه افراد آن از سطح مناسبی از روابط صحیح اجتماعی و انسانی برخوردار باشند و انسان‌هایی سودمند و مؤثر برای جامعه تلقی شوند. از طرفی، فقدان کارآمدی شیوه‌های سنتی علم‌آموزی در پاسخگویی به نیازهای دنیای کنونی باعث شده است در بسیاری از کشورها، شیوه‌های آموزش مطابق نیازهای جدید جوامع متحول شوند (Badrian and Rastegar, 2007). آموزش و پرورش همواره با این انتقاد مواجه بوده است که "نظام آموزشی به بچه‌ها همه‌چیز را یاد می‌دهد غیر از درس‌های زندگی" شاید به همین علت بوده است که سازمان جهانی بهداشت، نظام‌های آموزشی و صاحب‌نظران تربیتی از سال ۱۹۹۳ به فکر طراحی برنامه‌ای تحت عنوان مهارت‌های زندگی افتاده‌اند تا به دانش‌آموزان یاد دهند که چگونه با مسائل فردی، بین فردی یا فردی اجتماعی برخورد منطقی و عاقلانه از خود نشان دهند (Planning council, 2007).

برای رسیدن به این اهداف اقدامات مختلفی انجام شده است که یکی از آن‌ها تألیف کتاب تفکر و سبک زندگی است. به عبارتی این کتاب به دلیل وجود خلأ مذکور در نظام آموزشی طراحی و تألیف شده است. این کتاب از کتب جدید درسی در دوره متوسطه اول محسوب می‌شود که در پایه هفتم و هشتم (دوره متوسطه اول) در ادامه برنامه درسی تفکر و پژوهش پایه ششم ابتدایی، حول دو محور عمده تفکر، آداب و مهارت‌های زندگی (سبک زندگی) تنظیم گردیده است. این کتب در دو بخش مشترک و ویژه، تدوین شده است. بخش مشترک برای دختران و پسران یکسان است، اما بخش ویژه در پایه هفتم فقط برای دختران و در پایه هشتم نیز فقط برای پسران است. در بخش ویژه دختران دو درس "بلوغ در من چگونه است" و "آداب پوشش و آراستگی" تدوین گردیده است.

به‌طور کلی، کتاب تفکر و سبک زندگی از نظر ساختاری دارای دو قسمت مقدماتی و اصلی است. بخش اصلی شامل مجموعه‌ای دروس است که از یک الگوی سه وجهی پیروی می‌کند (دروس تجویزی، دروس نیمه تجویزی یا انتخابی و دروس اختیاری). در بخش ویژه دختران (پایه هفتم)، دو درس بلوغ و آداب پوشش جزو دروس تجویزی برای دختران است و به‌منظور این که تعداد دروس برای دختران و پسران یکسان باشد، تعداد دروس انتخابی برای آن‌ها از چهار درس به دو درس کاهش پیدا می‌کند

(Planning council, 2008). امروزه کشورهای سراسر جهان به این نتیجه رسیده‌اند که گستره وسیعی از قابلیت‌ها، مهارت‌های تفکر و مهارت‌های پایه جهت آماده کردن دانش‌آموزان برای آینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی مورد نیاز است. برای دستیابی به این مهم یادگیرندگان باید آگاهی‌شان را از خود به‌عنوان متفکران و یادگیرندگان گسترش دهند (Esmaeilzadeh and Karimi, 2016). برای درک ابعاد مختلف کتاب تفکر و سبک زندگی ارائه تصویری از مفاهیم پایه‌ای آن ضروری به نظر می‌رسد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

تفکر یعنی توانایی انسان در این‌که از یک سری مقدمات، نتایجی را به روش حل مسئله، قیاس، استقراء، آزمایش، همه‌جانبه‌نگری و خلاقیت ذهنی کشف کند (Ravan and Moafi, 2013). هم‌چنین سبک زندگی در حقیقت الگویی کم‌وبیش ثابت در تفکر، احساس و عمل است که ریشه‌های آن در خانواده ساخته می‌شود و تحت تأثیر متغیرهایی مانند سلامت و ظاهر فرد، نگرش‌های والدین، وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده و شکل زندگی جمعی خانواده و نقش جنسیتی قرار دارد (Ravan and Moafi, 2013). سبک زندگی شامل عناصری است که تا حد زیادی در ارتباط با هم بوده و تشکیل یک مجموعه نظام‌مند را می‌دهند. به عبارتی مؤلفه‌های سبک زندگی به جنبه‌هایی از زندگی انسان مربوط می‌شود که فرد، بر حسب ذوق و سلیقه خود و یا گروهی که در آن عضو است، در موردش دست به انتخاب می‌زند (Mahdavi Kani, 2008).

مهارت‌های زندگی نیز آن نوع توانایی‌هایی است که برای موفقیت و احساس شادمانی در زندگی روزمره، مورد نیاز می‌باشند (Khosravi, Fathi Vajarkhah and Ashtiani, 2014). به‌طور کلی آداب و مهارت‌های زندگی، توانایی‌های ذهنی و عملی، به‌منظور غلبه بر چالش‌های فردی و اجتماعی به شکل مناسب را برای انسان فراهم می‌آورند (Planning council, 2007). از این‌رو آموزش مهارت‌های زندگی باعث تغییر مناسب نگرش‌ها، ارزش‌ها، تقویت رفتارهای متناسب با مشکلات و موانع سلامتی و ارتقای بهداشت روانی شده و هم‌چنین باعث توانمندی افراد در رویارویی با شرایط زندگی می‌شود (Kakavandi and Shojaei, 2016). به‌طور یقین به‌منظور رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده در درس تفکر و سبک زندگی باید از برنامه درسی مشخصی پیروی کرد. برنامه‌های درسی یکی از مهم‌ترین عناصر آموزشی هستند که نقش غیرقابل‌انکاری را در راستای تحقق رسالت‌های آموزشی در همه مقاطع ایفا می‌کنند.

درباره اجزاء یا عناصر برنامه درسی میان صاحب‌نظران برنامه درسی اتفاق نظر و اجماع وجود ندارد و دامنه وسیعی از کمترین تا بیشترین عناصر را در برمی‌گیرد. برنامه درسی به همه جنبه‌های فرایندهای برنامه‌های درسی رسمی که دربردارنده مواردی چون وضعیت جاری، تدوین مقاصد و اهداف، تصمیمات درباره محتوا و ساختار، تنظیم فعالیت یادگیری و روش تدریس، تدوین راهبردهای سنجش و ارزیابی و روش‌های بازنگری برنامه‌های درسی است، اشاره دارد (Momeni Mahmoudi, 2011).

(Francis Klein, 1991) نه عنصر را عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی معرفی می‌کند که عبارتند از: اهداف، محتوا، راهبردهای تدریس، گروه‌بندی، مواد آموزشی، فعالیت‌های یادگیری، فضا، زمان و ارزشیابی (Mehrmohammadi, 2017). این عناصر ابعاد یک برنامه درسی یا ابزار ذهنی کسانی به شمار می‌آید که با برنامه‌ریزی سروکار دارند، هر قدر میزان هماهنگی و همخوانی این عناصر بیشتر باشد و هر عنصر به شکل مطلوب ارائه و اجرا شود، امکان به فعلیت درآمدن توانمندی‌های بالقوه برنامه درسی مورد نظر افزایش می‌یابد (Samadi, Javadipour and Lotfi, 2014). لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر، عناصر نه گانه کلاین در برنامه درسی مبنا قرار داده شده است.

بررسی اجمالی آموزش کتاب تفکر و سبک زندگی گویای آن است که علی‌رغم پیش‌بینی مقولات متنوع در این کتاب، یادگیری آن از طرف دانش‌آموزان به‌طور کامل انجام نمی‌شود و از این رو نمی‌توان تغییر نگرش و تثبیت رفتار را در ایشان انتظار داشت. لذا آسیب‌شناسی مسئله فوق ضرورتی است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است. پژوهش‌ها نشانگر آن است که معلمان عمدتاً دانش کافی در خصوص برنامه درسی تفکر و سبک زندگی ندارند، همچنین در بخش مهارتی نیز نمی‌توانند دانش‌آموزان را ترغیب نمایند و از این رو، دانش‌آموزان نسبت به تفکر و سبک زندگی نگرش مناسبی پیدا نکرده‌اند. بین محتوا و ساعات اختصاص‌یافته به کتاب نیز همخوانی وجود ندارد. نتایج نشست‌های هم‌اندیشی با معلمان این درس بیانگر آن است که هنوز رویکرد اصلی این درس که ایجاد فرصت جهت تقویت مهارت‌های اساسی تفکر است به‌طور دقیق برای آن‌ها روشن نشده است. از نظر اجرای روش‌های یاددهی - یادگیری ارائه‌شده در برنامه درسی، دانش‌آموزان پیام‌های آموزشی روشنی از جانب معلم دریافت نمی‌کنند و کتاب راهنمای معلم آن‌طور که باید نمی‌تواند پاسخگوی نیاز معلمان باشد (Tourani, 2014).

بخشی از مشکلات مرتبط با تدریس این درس به عدم تربیت مناسب معلمان بازمی‌گردد زیرا معلمانی که به روش سنتی تدریس کرده و آموزش‌های لازم را ندیده‌اند، طبعاً نمی‌توانند مهارت‌های موردنیاز را آموزش دهند. در مورد درس‌های مهارت محور از جمله "تفکر و سبک زندگی"، اگر معلم مهارت‌های لازم را نداشته باشد، نمی‌تواند به دانش‌آموز کمک کرده و در وی این مهارت‌ها را ایجاد کند (Karimi, 2015). در پژوهش دیگری که با هدف ارزشیابی از بسته آموزشی تفکر و سبک زندگی پایه هفتم انجام شده است، نتایج حاکی از ضرورت انجام اصلاحات در کتاب، ساعات تدریس، روش تدریس و همچنین آموزش معلمان این درس است (Tourani, 2014). آنچه از پژوهش‌های فوق برمی‌آید آن است که اگرچه آموزش تفکر و سبک زندگی یکی از حوزه‌های مهم آموزشی در نظام‌های تعلیم و تربیت محسوب می‌شود، اما در حال حاضر از کیفیت آموزش و بازدهی آن رضایت چندانی وجود ندارد. مشاهدات میدانی و پژوهش‌های انجام‌شده حکایت از فاصله فراوان میان اهداف و برنامه‌ها از طرفی و نحوه اجرای آموزش کتاب تفکر و سبک زندگی از طرف دیگر دارد.

پژوهش حاضر با توجه به هدف خود که " آسیب‌شناسی برنامه درسی تفکر و سبک زندگی در دوره متوسطه اول " بود به بررسی سؤالات زیر پرداخته است:

۱- آسیب‌های موجود در برنامه آموزش تفکر و سبک زندگی با توجه به عناصر نه گانه برنامه درسی از دیدگاه معلمان کدام اند؟

۲- آسیب‌های موجود در برنامه آموزش تفکر و سبک زندگی با توجه به عناصر نه گانه برنامه درسی از دیدگاه دانش‌آموزان کدام اند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش کیفی و جهت آسیب‌شناسی برنامه‌درسی تفکر و سبک زندگی از روش توصیفی-تحلیلی و از شیوه جمع‌آوری اطلاعات، منابع کتابخانه‌ای، مقالات و سایت‌های معتبر علمی استفاده شد و در ادامه مصاحبه با معلمان درس تفکر و سبک زندگی و دانش‌آموزان (دختر و پسر) پایه هفتم به عمل آمد. جامعه آماری، معلمان درس تفکر و سبک زندگی دوره متوسطه اول شهر تهران و دانش‌آموزان پایه هفتم در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بوده است که به‌منظور انجام مصاحبه و گردآوری داده‌ها در این پژوهش شرکت داشتند. ابزار پژوهش برای معلمان مصاحبه نیمه ساختاریافته و برای دانش‌آموزان مصاحبه باز بوده است. برای انتخاب معلمان و دانش‌آموزان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در انتخاب معلمان سعی شد افرادی که اطلاعات و تخصص بیشتر در مورد درس تفکر و سبک زندگی دارند و حاضر به همکاری بودند، گزینش شوند و مورد مصاحبه قرار گیرند. با نمونه‌گیری از ۱۵ نفر معلم، اشباع اطلاعاتی حاصل شد و به همین دلیل فرایند نمونه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات پایان گرفت.

در رابطه با دانش‌آموزان، سعی شد افرادی انتخاب شوند که دارای چالش‌های بیشتری نسبت به دروس تفکر و سبک زندگی بودند (کسب نمره پایین‌تر از ۱۴ در نیم سال اول تحصیلی در درس تفکر و سبک زندگی)، برای مصاحبه انتخاب شوند. در شناسایی این دانش‌آموزان از مدیران مدرسه و معلمان درس تفکر و سبک زندگی نظرخواهی به عمل آمد. با نمونه‌گیری از ۲۰ نفر از دانش‌آموزان، اشباع اطلاعاتی حاصل شد و به همین علت فرایند نمونه‌گیری و مصاحبه با افراد پایان پذیرفت.

در این مطالعه روایی درونی فرم مصاحبه با افزایش تعداد مصاحبه‌شوندگان پس از دستیابی به اشباع اطلاعاتی تأمین شد (در مصاحبه معلمان با ۱۲ نفر منتج به اشباع اطلاعاتی گردید ولی با ۳ نفر دیگر نیز مصاحبه شد و در مصاحبه دانش‌آموزان با ۱۵ نفر منتج به اشباع اطلاعاتی گردید ولی با ۵ نفر دیگر نیز مصاحبه انجام شد). همچنین به‌منظور تأمین روایی بیرونی، چندین بار مراحل تحلیل صورت گرفته توسط پژوهشگر مرور گردید. روایی محتوایی آن نیز توسط چند نفر از صاحب‌نظران این حوزه، مورد تأیید قرار گرفت.

برای تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، روش‌هایی ارائه شده است که می‌توان با استفاده از آن‌ها، گزاره‌ها و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان را تحلیل کرد. به‌طورمعمول برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از چند مرحله یا گام استفاده می‌شود که عبارتند از: فراهم‌سازی داده‌ها، سازمان‌دهی داده‌ها، تقلیل و تخلیص داده‌ها در قالب مقوله‌ها از طریق کدگذاری و متمرکز و ترکیب کردن کدها و در نهایت، ارائه داده‌ها به‌صورت تصویر، جدول یا بحث (Creswell, 2009). به این طریق مصاحبه‌ها به‌صورت حضوری و با استفاده از تلفن همراه ضبط گردید و سپس با پیاده‌سازی گفته‌های افراد، مقوله بندی انجام‌شده و سپس موارد مطرح شده و گزاره‌ها در مقوله‌های مربوط قرار گرفت و در نهایت یافته‌ها ارائه گردیده است.

پایایی فرم مصاحبه نیمه ساختاریافته با معلمان با قرار دادن خلاصه مطالب و مقوله‌های تعیین‌شده در اختیار سه نفر آگاه به روش‌های پژوهش و اعمال نظرهای آنان بررسی شده است. به جهت بررسی اعضا نیز نتایج تحلیل در اختیار مصاحبه‌شونده‌ها (معلمان) قرار گرفت و آن‌ها نیز با توجه به مصاحبه و تجارب خود، بر نتایج صحت گذاشتند.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ابتدا به‌منظور دستیابی به آسپ‌های برنامه درسی تفکر و سبک زندگی با انجام مصاحبه از دبیران و دانش‌آموزان درس مذکور، نظرات ایشان در این رابطه جمع‌آوری شد. سپس براساس پژوهش‌های اسنادی عواملی استخراج گردید و در آخر مشاهدات پژوهشگر در این رابطه بیان شده است.

آسپ‌شناسی برنامه درسی تفکر و سبک زندگی در مصاحبه با معلمان

یکی از کامل‌ترین برداشت‌های ارائه‌شده از عناصر برنامه درسی، طبقه‌بندی الگوی فرانسویس کلاین در مدل برنامه درسی موسوم به "مطالعه نظام مدرسه" است. در این مدل عناصر برنامه درسی در قالب ۹ عنصر بیان شده است که عبارتند از: اهداف، مواد آموزشی، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، راهبردهای تدریس، ارزشیابی، گروه‌بندی، زمان، فضا.

در جلسه‌ای با حضور معلمان گروه نمونه به تشریح این عناصر پرداخته شد و از ایشان خواسته شد تا در هنگام مصاحبه به ابعاد مختلف عناصر برنامه درسی تفکر و سبک زندگی توجه داشته باشند. اهم مطالبی که در این جلسه برای ایشان تشریح شد در جدول زیر آورده شده است:

جدول (۱): عناصر برنامه درسی تفکر و سبک زندگی و تشریح ابعاد آن

ردیف	عناصر برنامه درسی	تشریح ابعاد عناصر برنامه درسی
۱	اهداف	- تناسب اهداف با نیازهای دانش آموزان - تناسب اهداف با نیازهای جامعه
۲	مواد آموزشی	- تناسب مواد آموزشی با علایق دانش آموزان - کافی بودن منابع و مواد کمک آموزشی - تناسب مواد آموزشی با معلومات، تجارب و آمادگی دانش آموزان - تناسب محتوا با وضعیت کنونی جامعه
۳	محتوا	- تناسب محتوا با نیازهای دانش آموزان - آشناسازی دانش آموزان با شیوه‌های تفکر و مهارت‌های لازم برای زندگی - ارتباط منطقی میان مفاهیم مندرج در محتوا - فراهم‌سازی فرصت تمرین‌های عملی از طریق فعالیت‌های یادگیری
۴	فعالیت‌های یادگیری	- تناسب فعالیت‌ها با نیازها، علایق، معلومات و تجارب فعلی و آمادگی دانش آموزان - سهیم شدن دانش آموزان در انتخاب فعالیت‌ها - درگیر شدن دانش آموز در فرایند یادگیری
۵	راهبردهای تدریس	- بسترسازی عملی جهت ایجاد مهارت در یادگیرنده - شایستگی معلمان جهت پیشبرد راهبردهای تدریس - نحوه و میزان مشارکت یادگیرنده در امر یادگیری - امکان استفاده از روش‌های متنوع ارزشیابی
۶	ارزشیابی	- گرایش به شیوه‌های ارزشیابی مشارکتی - ارزشیابی مرحله‌ای - خودارزیابی
۷	گروه‌بندی	- به کارگیری فعالیت‌های گروهی (گروه‌های کوچک و بزرگ) - توجه به علایق دانش آموزان در انتخاب گروه - انتخاب اعضای گروه براساس یک ویژگی مشترک یا تصادفی
۸	زمان	- کمیت زمان - کیفیت زمان - مدیریت زمان
۹	فضا	- کیفیت فضای آموزشی - کمیت فضای آموزشی - فضای آموزشی خارج از مدرسه

برای انجام این مطالعه به صورت حضوری و نیمه ساختار یافته، با ۱۵ نفر از دبیران تفکر و سبک زندگی مصاحبه انجام شد. پس از پایان مصاحبه با نفر شماره ۱۵، رسیدن به غنای اطلاعاتی و تکراری شدن محرز شد، به همین دلیل فرایند جمع‌آوری داده‌ها پایان پذیرفت.

جدول (۲): طبقات اصلی و فرعی استخراج شده از پاسخ‌های مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته

ردیف	طبقه اصلی	زیر طبقه (طبقات فرعی)	فراوانی	درصد
۱	ناکافی بودن زمان جلسات برای آموزش و یادگیری درس	۱- فقدان فرصت لازم جهت تمرین مهارت‌ها برای دانش‌آموزان	۱۱	۷۳/۳
		۲- فقدان زمان لازم برای تدریس کامل محتوای در نظر گرفته شده	۱۰	۶۶/۶
		۳- حذف برخی از مباحث کتاب به دلیل محدودیت زمان	۹	۶۰
		۴- عدم امکان استفاده از فضای بیرون از کلاس به دلیل محدودیت زمانی	۱۰	۶۶/۶
۲	عدم سازگاری فعالیت‌های یادگیری با علائق، نیازها، معلومات و تجارب دانش‌آموزان	۱- شرکت ندادن دانش‌آموزان در انتخاب فعالیت‌های یادگیری	۷	۴۶/۶
		۲- علاقه نداشتن دانش‌آموزان به فعالیت‌های یادگیری ارائه شده	۷	۴۶/۶
		۳- عدم بهره‌گیری دانش‌آموزان از فعالیت‌های یادگیری به دلیل کافی نبودن دانش پایه	۶	۴۰
		۴- عدم توانایی دانش‌آموزان در اجرای برخی از فعالیت‌های یادگیری	۷	۴۶/۶
۳	کاربست محدود شیوه‌های ارزشیابی، مشارکتی، ارزشیابی مرحله‌ای و خودارزیابی	۱- عدم گرایش ارزشیابی به سمت شیوه مشارکتی دانش‌آموز و معلم	۹	۶۰
		۲- عدم توجه کافی به گزارش‌های دانش‌آموزان در طول آموزش درس	۷	۴۶/۶
		۳- عدم ثبت نتایج مشاهدات عملکرد دانش‌آموزان توسط معلمان	۵	۳۳/۳
		۴- عدم برنامه‌ریزی صحیح معلم به منظور انجام خودارزیابی دانش‌آموزان	۱۰	۶۶/۶
۴	کمبود امکانات کمک آموزشی	۱- عدم استفاده از فیلم، پوستر و نرم‌افزار مناسب	۷	۴۶/۶
		۲- نبود سیستم‌های صوتی، تصویری مورد نیاز جهت نمایش فیلم	۸	۵۳/۳
		۳- عدم وجود فیلم، پوستر و رسانه مناسب جهت آموزش	۱۰	۶۶/۶
		۴- عدم وجود نرم‌افزارهای مناسب جهت آموزش درس	۱۲	۸۰

		۱- عدم اجرای برنامه‌های گروهی به دلیل تعداد زیاد دانش‌آموزان		
۵۳/۳	۸	۲- عدم اجرای برنامه‌های گروهی به دلیل محدودیت فضای کلاس‌ها	عدم استفاده از	
۶۶/۶	۱۰	۳- عدم استفاده معلمان از فعالیت‌های گروهی به دلیل نگرانی از برهم خوردن نظم کلاس	فعالیت‌های	
۶۶/۶	۱۰	۴- عدم امکان استفاده از فضاهای دیگر مدرسه در صورت استفاده از فعالیت‌های گروهی	گروهی	۵
۷۳/۳	۱۱		دانش‌آموزان	
		۱- کمبود آموزش‌های ضمن خدمت برای معلمان		
۷۳/۳	۱۱	۲- عدم تربیت معلمان متخصص درس تفکر و سبک زندگی به	کمبود معلم	
۸۰	۱۲	تعداد کافی	متخصص و	
۶۶/۶	۱۰	۳- استفاده از معلمان دروس دیگر برای آموزش این درس	علاقه‌مند برای	۶
۴۰	۶	۴- علاقه نداشتن برخی از معلمان برای اجرای فعالیت‌های	تدریس	
۲۶/۶	۴	یادگیری		
		۵- عدم شناخت کافی معلمان از اصول علمی ارزشیابی		

از داده‌های پژوهش ۱۵ کد تحت ۲۶ طبقه فرعی و ۶ طبقه اصلی، به‌عنوان آسیب‌های برنامه درسی تفکر و سبک زندگی از دید معلمان به روش استقرایی، استخراج و مقوله‌بندی گردید.

۱- ناکافی بودن زمان جلسات برای آموزش و یادگیری درس: عنصر زمان به‌عنوان یکی از عناصر برنامه درسی مستلزم توجه کافی در فرایند برنامه‌ریزی است. باین حال تجربه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش نشان‌دهنده کمبود زمان در نظر گرفته شده برای درس تفکر و سبک زندگی است. مصاحبه‌شونده شماره ۷ بیان داشت: "فکر نمی‌کنم هیچ معلمی بتونه در این مدت‌زمان محدود این همه مطلب و تمرین را با بچه‌ها کار کنه".

مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ عنوان کرد: "چون خیلی زمان کمه من خیلی وقتا مجبور می‌شم از خیر چند تا مبحث بگذرم تا بتونم کتاب را جلو ببرم".

۲- عدم‌سازگاری فعالیت‌های یادگیری با علائق، نیازها، معلومات و تجارب دانش‌آموزان: یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در پیشبرد اهداف آموزشی، توجه به شرایط دانش‌آموزان در ابعاد مختلف است. باین حال اکثر مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که در بسیاری از فعالیت‌های یادگیری، وضعیت دانش‌آموزان به‌طور دقیق در نظر گرفته نمی‌شود.

مصاحبه‌شونده شماره ۲ بیان داشت: "خیلی وقتا بچه‌ها نمی‌تونن فعالیت‌های کلاسی را انجام بدن، نه این‌که نخوان چون نمی‌تونن انجام نمیدن".

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ نیز اعتقاد داشت: "دانش‌آموزان خیلی از فعالیت‌های پیش‌بینی‌شده رو دوست ندارن که انجام بدن برای همین از زیرش طفره میرن".

۳- کاربست محدود شیوه‌های ارزشیابی مشارکتی، ارزشیابی مرحله‌ای و خودارزیابی: امروزه صاحب نظران برآنند که ارزشیابی باید با ارائه بازخوردهای لازم به یادگیرنده کمک کند تا ضمن شناسایی

نقاط ضعف و قوت خود بتوانند در مسیر تحقق اهداف یادگیری حرکت نمایند؛ اما اغلب مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش بر این باور بودند که ارزشیابی کنونی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای درس تفکر و سبک زندگی باشد.

مصاحبه‌شونده شماره ۶ عنوان کرد: "ثابت مشاهدات و عملکرد دانش‌آموزان در کلاس کار سختیه و ارزشیابی به همون شکل سنتی و امتحان پایانی راحتی".

مصاحبه‌شونده شماره ۹ نیز بیان داشت: "به دلیل زمان محدود و پیچیدگی‌های مباحث مربوط به خودارزیابی معمولاً چندان توجهی به این موضوع در کلاس‌ها نمی‌شود".

۴- کمبود امکانات کمک‌آموزشی: امروزه استفاده از امکانات کمک‌آموزشی به‌عنوان اصلی مهم در برنامه‌ریزی درسی مورد توجه قرار می‌گیرد. لیکن اغلب پاسخ‌دهندگان اذعان داشتند که در مدارس امکانات کمک‌آموزشی لازم و کافی برای تدریس مطلوب درس وجود ندارد.

مصاحبه‌شونده شماره ۱ عنوان کرد: "توی بعضی کلاسای ما اصلاً سیستم‌های صوتی و تصویری لازم پیدا نمیشه، اون کلاسایی هم که سیستم دارند، سیستماشون قدیمی و خراب‌اند و اصلاً نمیشه ازشون استفاده کرد".

مصاحبه‌شونده شماره ۸ نیز بیان داشت: "برای اجرای مطلوب آموزش در این درس، معلم باید به ابزارهایی مثل فیلم، پوستر و پمفلت‌های مناسب دسترسی داشته باشه که متأسفانه در اغلب مدارس اینها وجود نداره".

۵- عدم استفاده از فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان: استفاده از فعالیت‌های گروهی در بین دانش‌آموزان موجب پیشرفت تحصیلی بیشتر و افزایش عزت‌نفس شده و در نتیجه اعضای گروه می‌توانند در پیشبرد اهداف آموزشی نقشی مؤثر ایفا کنند. اکثر پاسخ‌دهندگان نظرشان این است که در این درس از فعالیت‌های گروهی استفاده نمی‌شود.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ گفته است: "مگه میشه با این تعداد زیاد دانش‌آموز معلم بتونه آن‌ها را به گروه‌های کوچک تقسیم کنه و با اونا کار گروهی انجام بده".

مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ عنوان کرد: "فضای بعضی از کلاس‌ها اونقدر کوچیکه که حتی بچه‌ها هم زورکی توی کلاس جا میشن چه برسه بخوای با اون‌ها کار گروهی انجام بدی".

۶- کمبود معلم متخصص و علاقه‌مند برای تدریس: در اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی کلیدی‌ترین نقش را معلم ایفا می‌کند. با این وجود مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش اعتقاد دارند که معلم متخصص و علاقه‌مند برای تدریس این درس خیلی کم است.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ عنوان کرد: "بعضی از همکاران به خاطر این‌که علاقه‌ای به درس ندارند آن را خیلی هم جدی نمی‌گیرند و خیلی وقتاً زمان آن را برای درس‌هایی مثل ریاضی و علوم می‌گذارند".

مصاحبه‌شونده شماره ۸ نیز بیان داشت: "چون این یک درس مهارت محوره پس معلم اول باید خودش این مهارت را آموزش دیده باشد تا بتواند به دانش‌آموز منتقل کند ولی متأسفانه این آموزش‌ها به خیلی از معلمان داده نشده".

با استخراج و بررسی اطلاعات مربوط به پاسخ‌های معلمان می‌توان دریافت که برخی از طبقات اصلی از درصد فراوانی بیشتری برخوردار می‌باشند که این امر گویای اهمیت بیشتر آن‌ها به‌عنوان آسیب‌های موجود در تفکر و سبک زندگی نزد معلمان است. براین اساس ترتیب طبقات اصلی و به عبارتی مشکلات آسیب‌های موجود از نظر معلمان عبارتند از: ناکافی بودن زمان جلسات برای آموزش و یادگیری درس (۶۶/۶۳ درصد)، عدم استفاده از فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان (۶۴/۹۵)، کمبود امکانات کمک‌آموزشی (۶۱/۶۲)، کمبود معلم متخصص و علاقه‌مند برای تدریس (۵۷/۳)، کاربرد محدود شیوه‌های ارزشیابی مشارکتی، ارزشیابی مرحله‌ای و خودارزیابی (۴۹/۳)، عدم سازگاری فعالیت‌های یادگیری با علائق، نیازها، معلومات و تجارب دانش‌آموزان (۴۴/۹۵). نتایج حاصل از مصاحبه‌ها گویای آن است که عناصری از قبیل اهداف، مواد آموزشی و محتوا از دیدگاه معلمان نسبتاً مناسب ارزیابی شده است.

آسیب‌شناسی برنامه درسی تفکر و سبک زندگی در مصاحبه با دانش‌آموزان

برای انجام این مطالعه به‌صورت حضوری و باز، با ۲۰ نفر از دانش‌آموزان پایه هفتم مصاحبه انجام شد. پس از پایان مصاحبه با نفر شماره ۲۰، رسیدن به غنای اطلاعاتی و تکراری شدن محرز شد، به همین دلیل فرایند جمع‌آوری داده‌ها پایان پذیرفت.

جدول (۲): طبقات اصلی و فرعی استخراج شده از پاسخ‌های مصاحبه‌های باز

ردیف	طبقه اصلی	زیر طبقه (طبقات فرعی)	فراوان ی	درس د
۱	عدم تناسب بین مواد آموزشی مورداستفاده در کلاس درس تفکر و سبک زندگی با علائق دانش‌آموزان	۱- فقدان ابزارهای کمک‌آموزشی مناسب	۱۵	۷۵
		۲- کمبود عکس‌ها و تصاویر جذاب در کتاب درسی	۱۴	۷۰
		۳- عدم ارائه توضیحات کافی در بعضی از مباحث کتاب	۱۵	۷۵
۲	عدم سازگاری فعالیت‌های یادگیری انتخاب شده با نیازها، علائق و معلومات دانش‌آموزان	۱- علاقه نداشتن دانش‌آموزان به فعالیت‌های یادگیری ارائه‌شده	۱۳	۶۵
		۲- عدم توجه به توانایی دانش‌آموزان در اجرای برخی از فعالیت‌های یادگیری	۱۴	۷۰
		۳- عدم وجود زمان کافی جهت انجام فعالیت‌های یادگیری	۱۴	۷۰

۴۵	۹	۱- محدودیت فضای آموزش کلاس درس	عدم استفاده از تجارب	۳
۵۰	۱۰	۲- عدم استفاده از فضاهای دیگر مدرسه به غیر از کلاس	محیطی و فضاهای آموزشی خارج از کلاس و مدرسه	
۶۰	۱۲	۳- عدم برگزاری اردوهای آموزشی و گردش علمی ۱- فقدان زمان مناسب جهت انجام تمرینات کلاسی		
۵۵	۱۱	۲- عدم وجود زمان کافی برای تدریس مطالب کتاب	عدم کفایت زمان جلسات برای آموزش و یادگیری مفاهیم درس	۴
۶۰	۱۲	۳- حذف بعضی از مباحث کتاب به علت محدودیت زمان		
۵۵	۱۱			
۴۰	۸	۱- استفاده واحد از شیوه ارزشیابی پایانی	عدم وجود ارزشیابی تکوینی و مرحله‌به‌مرحله درس تفکر و سبک زندگی	۵
۶۰	۱۲	۲- عدم توجه کافی به گزارش‌های دانش‌آموزان		
۴۵	۹	۳- عدم استفاده از ارزشیابی‌های مستمر		

مصاحبه با نمونه‌های آماری موجب دستیابی به غنای اطلاعاتی، اشباع و تکرار داده‌ها شد. از داده‌های پژوهش ۲۰ کد تحت ۱۵ طبقه فرعی و ۵ طبقه اصلی، به‌عنوان آسیب‌های برنامه‌درسی تفکر و سبک زندگی از دید دانش‌آموزان به روش استقرایی، استخراج و مقوله‌بندی گردید.

جدول (۳): مقوله‌های مربوط به آسیب‌های درس تفکر و سبک زندگی از دیدگاه دانش‌آموزان

مقوله‌ها	نمونه‌های مصاحبه
۱- عدم تناسب بین مواد آموزشی مورد استفاده در کلاس درس تفکر و سبک زندگی با علایق دانش‌آموزان	۱-۱ دانش‌آموز کد ۸: معلم ما فقط از مطالب کتاب برای درس‌مون استفاده می‌کنه تازه نمی‌رسیم همه مطالب کتاب را بخونیم مثلاً من دوست دارم فیلم‌های خوب و پوسترهای قشنگ هم در رابطه با درس‌مون نشون بدن و مطالب کتاب را کامل درس بدن
۲- عدم سازگاری فعالیت‌های یادگیری انتخاب شده با نیازها، علایق و معلومات دانش‌آموزان	۱-۲ دانش‌آموز کد ۱۴: عکس‌ها و شکل‌هایی که توی کتابمون آمده برامون جالب نیست ۱-۳ دانش‌آموز کد ۱۲: مطالب کتابمون خیلی خلاصه است معلم میتونه از فیلم، اسلاید یا کتاب کمک‌درسی استفاده کنه که ما بتونیم با هم فیلم را ببینیم و نظر بدیم ۲-۱ دانش‌آموز کد ۱۶: اصلاً از ما تو کلاس نمی‌پرسن چه کاری بهتره انجام بدیم یا نه معمولاً کارهایی هم که معلم می‌گه برامون جالب نیست ۲-۲ دانش‌آموز کد ۱: فعالیت‌ها و کارایی که معلم ازمون می‌خواد برامون سخته ما دوست داریم کارایی را که در توانمون هست انجام بدیم ۲-۳ دانش‌آموز کد ۶: خیلی وقتاً فرصتمون خیلی کمه برای کارایی که معلم می‌گه انجام بدیم و وقت زود تموم میشه و ما کارو نتونستیم انجام بدیم
۳- عدم استفاده از تجارب محیطی و	۳-۱ دانش‌آموز کد ۴: تعدادمون تو کلاس خیلی زیاده و کلاس‌مون خیلی کوچیکه، دوست داریم بریم بیرون از مدرسه بریم بازدید و گردش علمی و بهتر با موضوعات آشنا بشیم

۲-۳ دانش آموز کد ۱۳: کاش یک وقتی هم به غیر از کلاس از جاهای دیگر مدرسه مون خارج از مدرسه	فضاهای آموزشی
هم میشد استفاده کرد که برامون تازگی داشته باشه	
۳-۳ دانش آموز کد ۹: دوست داریم مواردی را که معلم میگه از نزدیک ببینیم و برامون اردو بذارن که معلممون بتونه به صورت واقعی بهمون نشون بده	
۴-۱ دانش آموز کد ۲: چون وقت کلاسمون کمه معلم مجبوره خیلی سریع مطالب را درس بده و برای همین ما خیلی از حرفاشو نمی فهمیم	۴-عدم کفایت زمان جلسات برای آموزش و یادگیری مفاهیم درس
۴-۲ دانش آموز کد ۱۵: چون زمان کلاسمون زیاد نیست معلم نمی تونه هم درس بده هم به ما تمرین بده برای همین مطالب خوب فهمیده نمیشه	
۴-۳ دانش آموز کد ۱۸: معلمها آن قدر وقت کم میارن که بعضی از جاهای کتاب را درس نمیدن	
۵-۱ دانش آموز کد ۸: معلم معمولاً نمیرسه هر جلسه مطالب جلسه قبل را از مون بپرسه و مرور کنه و میگه یک دفعه سر امتحان، مطالب خیلی زیاد میشه و نمی تونیم خوب مطالبو یاد بگیریم	۵-عدم وجود ارزشیابی تکوینی و مرحله به مرحله درس تفکر و سبک زندگی
۵-۲ دانش آموز کد ۱۱: ما این همه کار کلاسی انجام میدیم هیچکدوم در کلاس تأثیر نداره	
۵-۳ دانش آموز کد ۵: ما دوست داریم توی چند مرحله و چند دفعه از ما امتحان گرفته بشه که در آخر خیلی سنگین نشه	

با استخراج و بررسی اطلاعات مربوط به پاسخهای دانش آموزان می توان دریافت که برخی از طبقات اصلی از درصد فراوانی بیشتری برخوردار می باشند که این امر گویای اهمیت بیشتر آنها به عنوان آسیب های موجود درس تفکر و سبک زندگی نزد دانش آموزان است. براین اساس ترتیب طبقات اصلی و به عبارتی مشکلات آسیب های موجود از نظر دانش آموزان به شکل زیر است: عدم تناسب بین مواد آموزشی مورد استفاده در کلاس درس تفکر و سبک زندگی با علایق دانش آموزان (۷۳/۳۳)، عدم سازگاری فعالیت های یادگیری انتخاب شده با نیازها، علایق و معلومات دانش آموزان (۶۸/۳۳)، عدم کفایت زمان جلسات برای آموزش و یادگیری مفاهیم درس (۵۶/۶۶)، عدم استفاده از تجارب محیطی و فضاهای آموزشی خارج از کلاس و مدرسه (۵۱/۶۶)،

عدم وجود ارزشیابی تکوینی و مرحله به مرحله درس تفکر و سبک زندگی (۴۸/۳۳)

محققان در پژوهش های مختلف به آسیب شناسی درس تفکر و سبک زندگی پرداخته اند. عدم درک روشن اهداف درسی مذکور از سوی معلمان، انتخاب دو ساختار محتوایی مجزا (یعنی آموزش تفکر و سبک زندگی)، عدم تناسب برخی از دروس با توانایی دانش آموزان، نبود برنامه و تسلط نسبی مربیان در محتوا و شیوه های تدریس و ارزشیابی، تدریس محتوا توسط دبیران غیر مرتبط با هدف پر کردن ساعات تدریس هفتگی، عدم برگزاری کارگاه های توجیهی برای معلمان این درس، کمبود نیروی انسانی متخصص برای آموزش معلمان در سطح استان و مناطق و کمبود بودجه برای گسترش آموزش های ضمن خدمت معلمان در سطح مناطق آموزش و پرورش، عدم نظارت بر اجرای

این درس و توجیه نبودن مدیران مدارس و کمبود منابع و وسایل موردنیاز برای تدریس این ماده درسی را باید از آسیب‌هایی دانست که متوجه درس تفکر و سبک زندگی است و در برخی پژوهش‌ها (Esmailzadeh and et al., 2013)، (Tourani, 2014) و (Jamalifar and et al., 2017) مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

نتایج حاصل از پژوهش "آسیب‌شناسی برنامه درسی مهارت‌های زندگی در نظام آموزش متوسطه نظری"، حاکی از آن است که آسیب‌های موجود در عناصر برنامه درسی مهارت‌های زندگی از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، متوجه اهداف، محتوا و زمان آموزشی؛ از دیدگاه معلمان، متوجه فعالیت‌های یادگیری، ارزشیابی و زمان و درنهایت از دیدگاه دانش‌آموزان، متوجه مواد آموزشی، فعالیت‌های یادگیری، ارزشیابی، گروه‌بندی، زمان و فضای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی بوده است (Khosravi, Fathi Vajarkhah and Ashtiani, 2014). هم‌چنین در پژوهش "معلمان پایه ششم ابتدایی استان چهارمحال و بختیاری فرصت‌ها و محدودیت‌های درس تفکر و پژوهش را چه چیزی می‌دانند؟ یک مطالعه کیفی" (Ghanbari, Bahraini and Sepehri, 2015)، یافته‌ها نشان داد که معلمان کمبود امکانات کمک آموزشی، عدم ارزیابی علمی از نحوه اجرای درس تفکر و پژوهش، کمبود معلم متخصص و علاقه‌مند برای تدریس این درس و کمبود زمان اختصاص داده شده را به‌عنوان محدودیت‌های درس تفکر و پژوهش پایه‌ی ششم ابتدایی دانستند.

عدم وجود معلمان مناسب برای درس تفکر و سبک زندگی به‌عنوان یک آسیب جدی تا حدی است که برخی از پژوهشگران آن را مهم‌ترین آسیب این درس می‌دانند: "اشکال کلی طرح این است که مربیان این درس آموزش کافی را ندیده‌اند. نکته مهم آن است که نقش معلم در تدریس این درس بسیار متفاوت از دروس متعارف است. در دروس متعارف، معلمان معمولاً اطلاعاتی را به دانش‌آموز منتقل می‌کنند؛ اما این درس مهارت محور است و تا خود معلم این مهارت را با تمرین مستمر آموزش ندیده باشد نمی‌تواند آن را به شاگردان منتقل کند. واضح است که وقتی مربی از این توانایی‌ها بی‌بهره باشد، حتی اگر بهترین محتوا و ابزار را در اختیار داشته باشد باز هم کلاسش جز یک کلاس داستان‌خوانی و بعد از آن گپ و گفתי خودمانی، نخواهد بود. در این شرایط وقتی مربی حس کند از پس درس جدید بر نمی‌آید و هدف از این درس را نمی‌داند و از قابلیت‌های آن آگاه نیست، درس برایش بی‌اهمیت جلوه می‌کند و در نتیجه این درس به فرصتی برای استراحت و تفریح دانش‌آموزان و یا زنگ اضافه‌ای برای تقویت دروس دیگر تبدیل می‌شود" (Karimi, 2015). عدم وجود امکانات اجرایی نیز مورد توجه آسیب‌شناسان این درس قرار گرفته است: "برگزاری این کلاس‌ها چنان تعریف و برنامه‌ریزی شده‌اند که به ابزارهایی نظیر پخش فیلم در کلاس نیاز وجود دارد، زیرا فیلم یا داستان، محرک‌های اولیه‌ای هستند که گفت‌وگو براساس آن‌ها شکل می‌گیرد" (Karimi, 2015). از آنجایی که مهارت‌های دیداری دانش‌آموزان بیشتر و کارآمدتر از مهارت‌های شنیداری آنان است، لذا ارائه

مقدمه‌های دیداری کوتاه در ابتدای دروس، زمینه‌ها و علایق دانش‌آموزان را در یادگیری افزایش می‌دهد (Tourani, 2014).

برخی دیگر از صاحب‌نظران به بخش محتوایی کتاب نیز ورود پیدا کرده‌اند و به‌طور مثال داستان‌های مطرح شده در کتاب را مورد بررسی قرار داده‌اند. متخصصان معتقدند که استفاده از داستان‌های مختلف می‌تواند در آموزش مقولات مرتبط با تفکر و سبک زندگی تأثیرگذار باشد اما باید توجه داشت که ملاک‌هایی در خصوص این داستان‌ها وجود دارد که باید رعایت شود که اهم آن‌ها عبارتند از: کفایت روان‌شناختی، کفایت ادبی و کفایت فلسفی (Naji and Marashi, 2015). از این جهت به نظر می‌رسد برخی از داستان‌های کتاب فاقد کفایت لازم برای حصول به اهداف می‌باشند (Naji, Askari, Habibi and Iraqi, 2016). هم‌چنین مسئله دیگر آن است که بعضی از داستان‌های کتاب با موعظه و نصیحت پایان می‌یابند، در حالی که داستان‌هایی از این دست باید پایان باز داشته باشند. به عبارتی ما به داستان‌هایی نیاز داریم که برای دانش‌آموزان تأمل‌برانگیز و سؤال‌برانگیز باشند. اگر قرار باشد گفت‌وگویی شکل گیرد، گفت‌وگو براساس مسئله شکل می‌گیرد، اما در داستانی که تکلیف همه چیز روشن شده است جایی برای مسئله باقی نمی‌ماند (Karimi, 2015).

محقق در طی این پژوهش علاوه بر مطالب پیش گفته به موارد دیگری نیز برخورد نمود که می‌توان آن‌ها را در ذیل آسیب‌شناسی درس تفکر و سبک زندگی فهرست نمود:

- ۱- به دلیل عدم وجود معلمان متخصص در تدریس تفکر و سبک زندگی، از معلمان دروس دیگر جهت این درس استفاده می‌شود که قطعاً نمی‌تواند بازدهی مناسبی در فرایند یادگیری داشته باشد.
- ۲- به دلیل عدم آشنایی بسیاری از معلمان در شیوه تدریس و در نتیجه استفاده نادرست از روش‌های تدریس مشارکتی، بعضاً مشاهده می‌شود که جلسات درس تفکر و سبک زندگی به‌نوعی به زنگ تفریح و دورهمی بدون هدف شاگردان و معلم تبدیل می‌شود.
- ۳- در بسیاری از موارد، زنگ‌های آخر به درس تفکر و سبک زندگی اختصاص می‌یابد که به دلیل خستگی شاگردان و معلم بازدهی چندانی ندارد.
- ۴- برخی از ساعات کلاس تفکر و سبک زندگی در اختیار دروس دیگری که تصور می‌شود مهم‌تر هستند، قرار می‌گیرد.
- ۵- بخش ویژه کتاب، معمولاً در آخرین ماه سال تحصیلی به‌صورت شتاب‌زده تدریس می‌شود و در برخی موارد نیز به دلیل محدودیت زمان در کلاس تدریس نشده و مطالعه آن به دانش‌آموزان محول می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مدل جامع برنامه‌ریزی درسی معرفی شده در این پژوهش می‌تواند به فهم بهتر برنامه درسی تفکر و سبک زندگی کمک کند. ترکیب نتایج استخراج شده حاصل از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه با معلمان، بیانگر آسیب‌های زیر در برنامه‌ریزی درسی تفکر و سبک زندگی است.

۱- ناکافی بودن زمان جلسات برای آموزش و یادگیری درس

۲- عدم‌سازگاری فعالیت‌های یادگیری با علائق، نیازها، معلومات و تجارب دانش‌آموزان

۳- کاربست محدود شیوه‌های ارزشیابی مشارکتی، ارزشیابی مرحله‌ای و خودارزیابی

۴- کمبود امکانات کمک‌آموزشی

۵- عدم‌استفاده از فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان

۶- کمبود معلم متخصص و علاقه‌مند برای تدریس

هم‌چنین نتایج مصاحبه‌های انجام‌شده با دانش‌آموزان پایه هفتم نیز گویای موارد ذیل بود:

۱- عدم‌تناسب بین مواد آموزشی مورد‌استفاده در کلاس درس تفکر و سبک زندگی با علایق دانش‌آموزان

۲- عدم‌سازگاری فعالیت‌های یادگیری انتخاب شده با نیازها، علایق و معلومات دانش‌آموزان

۳- عدم‌استفاده از تجارب محیطی و فضاهای آموزشی خارج از مدرسه مانند اردوها، بازدیدها و گردش علمی

۴- عدم‌کفایت زمان جلسات برای آموزش و یادگیری مفاهیم درس

۵- عدم وجود ارزشیابی تکوینی و مرحله‌به‌مرحله درس تفکر و سبک زندگی

نتیجه بررسی‌های اسنادی و مصاحبه‌های انجام‌شده و نیز نتیجه مشاهدات پژوهشگر گویای آن است که برنامه درسی تفکر و سبک زندگی عمدتاً در زمینه فعالیت‌های یادگیری، راهبردهای تدریس و ارزشیابی دچار کاستی‌های جدی است اما در تبیین اهداف و تدوین محتوا در مجموع قابل‌قبول است.

با مقایسه نتایج مصاحبه‌های انجام‌شده با معلمان و دانش‌آموزان مشخص می‌شود انتخاب مواد آموزشی بایستی براساس علایق دانش‌آموزان صورت گیرد؛ یعنی خود دانش‌آموزان نیز در انتخاب مواد آموزشی شرکت داشته باشند. در حال حاضر در تصمیم‌گیری‌های تشکیلات برنامه‌ریزی درسی ایران، دانش‌آموز هیچ نقشی در انتخاب منابع درسی و فعالیت‌های یادگیری ندارد؛ کتاب به‌عنوان رایج‌ترین و تنها منبع یادگیری شناخته‌شده است؛ همچنین به نظر می‌رسد خروج از این اتکالی انحصاری به کتاب درسی، مستلزم ایجاد تحولی بنیادین در مؤلفه تربیت‌معلم کشور است؛ به‌طوری‌که معلمان از قابلیت‌های حرفه‌ای برتر و بیشتری بهره‌مند باشند تا امکان تحقق یادگیری معنادار و پایدار را در دانش‌آموزان افزایش دهند.

معلمان باید با استفاده از راهبردهای آموزشی مناسب مذاکرات بین دانش‌آموزان را به‌عنوان فعالیت اصلی کلاس ارتقاء دهند. روش‌های آموزشی معلم به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا اندیشه‌هایشان را برای دیگر دانش‌آموزان توضیح دهند و دیگران آن اندیشه‌ها را مورد قضاوت قرار دهند؛ و خود نیز با دقت به اندیشه‌های دانش‌آموزان دیگر گوش دهند و روی سودمندی آن‌ها تأمل کنند.

معلمان بایستی فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان فراهم کنند تا بتوانند تا حدودی بر یادگیری‌شان نظارت داشته باشند. این ویژگی نشان می‌دهد که تا چه میزان از دانش‌آموزان خواسته می‌شود در همراهی با معلم بر محیط یادگیری نظارت داشته باشند مثلاً، در تعیین اهداف یادگیری خودشان، طراحی و مدیریت فعالیت‌های یادگیری خودشان، تعیین و اجرای ملاک‌های سنجش.

ارزشیابی مهم‌ترین فرایند مورد استفاده بهبود کیفیت برنامه درسی است. توجه به رعایت اصول علمی قصد شده مانند استفاده از انواع روش‌های ارزشیابی فرایند-محور، مشارکتی و گروهی به‌جای ارزشیابی هدف محور، سنجش میزان مهارت‌های آفرینندگی، پژوهشگری، پرسشگری و حل مسئله ایجاد شده در دانش‌آموزان، استفاده متناسب از سطوح شش‌گانه حیطه شناختی، استفاده از روش‌های مختلف ارزشیابی با توجه به تفاوت‌های فردی و اصول روان‌شناختی دانش‌آموزان، استفاده از روش‌های مختلف ارزشیابی متناسب با روش‌های تدریس معلم، امکانات و تجهیزات موجود، گروه‌بندی دانش‌آموزان در جریان تدریس می‌تواند در پرورش تفکر دانش‌آموزان نقش‌آفرین باشد (Bahreini Boroujani and et al., 2015).

در این مطالعه مشخص شد که شیوه‌های ارزشیابی مشارکتی، ارزشیابی مرحله‌ای و خودارزیابی به‌صورت محدود استفاده می‌شود. درحالی‌که جهت پرورش تفکر و مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان، استفاده از انواع روش‌های ارزشیابی فرایند-محور، مشارکتی و گروهی، به‌جای ارزشیابی هدف محور، تأثیر به‌سزایی دارد.

یادگیری گروهی به پیشرفت تحصیلی بیشتر، عزت‌نفس افزون‌تر، افزایش جاذبه بین‌فردی و ارتباطات بیشتر میان دانش‌آموزان کمک می‌کند؛ از این رو بایستی در کلاس درس تفکر و سبک زندگی جای استفاده از فعالیت‌های انفرادی، از فعالیت‌های گروهی نیز استفاده شود. در زمینه مؤلفه فضای آموزشی، تحقیق‌ها نشان می‌دهند که محیط فیزیکی مدرسه یا کلاس درس می‌تواند بر رفتار و نگرش آن‌ها نسبت به مدرسه و یادگیری اثر بگذارد؛ علاوه بر این، فضاهای آموزشی خارج از مدرسه با رعایت الزام‌های آن‌ها برای یادگیری مفاهیم برنامه درسی مهارت‌های زندگی می‌توانند بسیار مفید واقع شوند. این پژوهش دارای نتایج مشابه با تحقیقاتی است که در مورد آسیب‌شناسی مطالب مرتبط با درس تفکر و سبک زندگی صورت گرفته است؛ مانند: (Esmailzadeh and et al., 2013)، (Karimi, 2015) و (Jamalifar and et al., 2017). هم‌چنین این تحقیق هم‌راستا با پژوهش‌هایی است که به‌طور جزئی‌تر به آسیب‌شناسی درس از نظر معلمان و دانش‌آموزان پرداخته‌اند (Khosravi and et al., 2014) و (Ghanbari and et al., 2015). در پژوهش خود آسیب‌های

موجود از نظر معلمان را کمبود امکانات کمک‌آموزشی، عدم ارزیابی علمی از نحوه اجرای درس، کمبود معلم متخصص و علاقه‌مند و کمبود زمان بیان می‌دارند. همچنین در این تحقیق آسیب‌های موجود از نظر دانش‌آموزان، مواد آموزشی، فعالیت‌های یادگیری، ارزشیابی، گروه‌بندی، زمان و فضا بیان شده است. (Ghanbari and et al., 2015) نیز آسیب‌های موجود از نظر معلمان را کمبود امکانات کمک‌آموزشی، عدم ارزیابی علمی از نحوه اجرای درس، کمبود معلم متخصص و علاقه‌مند و کمبود زمان بیان می‌دارند. زمان آموزشی در اشکال مختلف، یکی از عوامل مدرسه‌ای است که به‌طور مشخص با برنامه و روش‌های آموزشی، مرتبط است. کافی نبودن یا کاهش زمان آموزشی، دلایل گوناگون دارد که بایستی آن عوامل شناسایی‌شده، در جهت رفع آن‌ها اقدام شود؛ در این مورد، توجه معلم به مدیریت زمان، مهم جلوه می‌کند. به‌کارگیری مؤثر زمان، عامل پیشگویی‌کننده صحیح‌تری برای سنجش میزان موفقیت دانش‌آموز است.

الف- پیشنهادهای مربوط به مدیریت‌های وزارت آموزش و پرورش

- ۱- تولید بسته‌های آموزشی برای معلمان و دانش‌آموزان در حد مطلوب و توزیع آن در مدارس
- ۲- آموزش مربیان و معلمان و گسترش دوره‌های ضمن خدمت در سراسر کشور در کنار ارزیابی کارآمدی دوره‌های ضمن خدمت و اطمینان از مؤثر بودن این دوره‌ها
- ۳- بهره‌گیری معلمان از نرم‌افزارهای الکترونیکی، فیلم‌ها و کلیپ‌های آموزشی تهیه‌شده و نظارت مدیران و معاونت متوسطه مناطق بر استفاده معلمان
- ۴- ماهیت برنامه درسی تفکر و سبک زندگی به‌گونه‌ای است که مستلزم بهره‌گیری از امکانات رایانه ای و ظرفیت‌های دنیای مجازی است. لذا تأمین امکانات کمک‌آموزشی لازم برای تدریس مطلوب این درس ضروری است.
- ۵- با توجه به جدید بودن موضوع و تفاوت‌های ماهوی درس تفکر و سبک زندگی با سایر دروس ارزشیابی دوره‌ای از برنامه درسی تفکر و سبک زندگی به‌منظور شناسایی نقاط قوت و ضعف و تجدیدنظرهای احتمالی در آن ضروری است.
- ۶- اختصاص زمان بیشتر به درس تفکر و سبک زندگی به‌منظور تدریس دقیق‌تر مضامین و انجام فعالیت‌های کلاسی موردنیاز
- ۷- گزینش و استخدام معلمان شایسته در زمینه توانمندی‌های شناختی، اجتماعی و عاطفی به‌جای توجه صرف به توانمندی شناختی و علمی آنان

ب- پیشنهادهای مربوط به معلمان درس تفکر و سبک زندگی

- ۱- مطالعه راهنمای معلم و شیوه تدریس هر درس و دانسته‌های تکمیلی برای معلمان در هر درس قبل از تدریس و استفاده از طرح درس قبل از تدریس
- ۲- دریافت بازخورد از دانش‌آموزان بعد از پایان هر درس و انجام ارزشیابی‌های مستمر کلاسی، ماهانه و پایان نیمسال تحصیلی از سوی معلمان

- ۳- سازمان‌دهی فضاهای آموزشی به‌ویژه کلاس‌های درس به‌گونه‌ای متناسب با بحث گروهی و روش‌های تدریس مشارکتی
- ۴- نظرخواهی از دانش‌آموزان و مشارکت دادن آنان در تعیین فعالیت‌های یاددهی - یادگیری مانند نوع مدیریت کلاس، تکالیف یادگیری، ارزشیابی و مانند آن
- ۵- استفاده از روش‌ها و راهبردهای آموزشی مبتنی بر مشارکت و همکاری گروهی دانش‌آموزان
- ۶- استفاده از محیط واقعی در کنار کلاس درس به‌منظور ایجاد یادگیری معنادار جهت ورود به عرصه‌های مختلف زندگی
- ۷- اجرای ارزشیابی فرایندی و استفاده از نتایج آن برای بهبود ادامه فرایند آموزش
- ۸- استفاده از روش‌های متنوع ارزشیابی (نوشتاری، مشاهده‌ای، خودارزیابی، ارزیابی همتایان) به‌منظور ارزشیابی دانش‌آموزان



References

- Badrian, A., and Rastegar, T. (2007). A Comparative Study of Public Education Science Standards in Iran and Successful Countries in the TIMSS Test. *Sixth Congress of Curriculum Studies Association*. Available online at https://www.civilica.com/Paper-ICSA06-ICSA06_006.htm. [In Persian].
- Bahreini Boroujani, M., Nasr Esfahani, A., Mirshah Jafari, S., Likaghtabar, M., Sepehri Boroujeni, K., and Moghadasi Boroujeni, F. (2015). Investigating the Observance of the Goals of the Scientific Principles Related to the Element of Valuation in the Thinking and Research Lesson of the Sixth Basic Elementary. *Journal of Educational Innovations*, 14(55), 22-35. [In Persian].
- Creswell, J.W. (2009). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*: Thousand Oaks, CA: Corwin press.
- Esmailzadeh, A., Motalebi fard, A., Soltani, M., and Dasta, M. (2013). Life Skills Application in Iran, USA, Canada, Australia, Malaysia, India, and Vietnam: A Comparative Study. *Journal of Curriculum Studies*. 8(31), 125-154. [In Persian].
- Esmailzadeh, T., and Allah Karami, A. (2016). Multimedia Performance of Philosophy for the Child (P4C) and its Impact on the Wisdom of Elementary Students. *Journal of Thoughts and Children*, 6(12), 1-21. [In Persian].
- Ghanbari, M., Bahraini, M., and Sepehri, K. (2015). The teachers of the sixth elementary school in the province of Chaharmahal and Bakhtiari know what opportunities and limitations of the study and research lesson are: a qualitative study. *Journal of Research in education*, 1(4), 41-53. [In Persian].
- Jamalifar, M., Hashemi Moghaddam, Sh., Abedi Karajban, Z., and Faghihi, A. (2017). Study of the consistency of the curriculum planned for the course of thinking and life style of the eighth grade of the first cycle of high school with the curriculum implemented and obtained. *Journal of Family and Research*. 13(4), 21-42. [In Persian].
- Kakavandi, Kh., and Shojaei, S. (2016). Effectiveness of Life Skills Training on the Relation between the Maternal Mother's Baby and the Hearing-Impaired Mothers. *Journal of Family Studies*, 12(47), 483-500. [In Persian].
- Karimi, R. (2015). The shortcomings of textbooks "Thinking and Research" and "Thinking and Lifestyle". *Journal of Review Ethics, Education and Psychology*, 1(1), 255-268. [In Persian].
- Khosravi, R., Fathi Vajarkhah, C., and Ashtiani, M. (2014). The Pathology of Life Skills Curriculum in the Secondary Teaching System. *Journal of Educational and learning research*. 21(4), 1-18. [In Persian].
- Mahdavi kani, M. (2008). The concept of "lifestyle" and its scope in the social sciences. *Journal of The Iranian Cultural Studies*, 1(1), 199-230. [In Persian].
- Mehrmohammadi, M. (2017). *Curriculum (Viewpoints Approaches and Perspectives)*. Tehran: Samt Publication. [In Persian].
- Momeni Ammouei, H. (2011). Pathology Curriculum Evaluation in Higher Education. *Journal of Education Strategies*, 4(2), 95-100. [In Persian].
- Naji, S., Askari, S., and Majid Habibi Iraqi, L. (2016). Critical thinking on stories in the curriculum. *Journal of Review Ethics, Education and Psychology*, 1(3-4), 217-232. [In Persian].
- Naji, S., and Marashi, M. (2015). Philosophical Philosophy in Philosophy Stories for Children and Adolescents. *Journal of Thoughts and Children*, 6(1), 95-120. [In Persian].

- Planning Council. (2017). *Guide to Teaching Thinking and Life Style of the Seventh Foundation*. Tehran: publishing of textbooks in Iran. [In Persian].
- Planning Council. (2018). *the book of thinking and life style of the seventh.*. Tehran: publishing of textbooks in Iran. [In Persian].
- Ravan, S., and Moafi, M. (2013). Familiarity with the Thinking and Lifestyle Education Program in the first year of high school. *Growth Monthly Secondary education one*, 19(107), 69-75. [In Persian].
- Samadi, P., Javadipour, M., and Lotfi, M. (2014). Evaluation of Physical Education Courses in High Schools Based on Klein's Theory. *Journal of Educational Innovations*, 9(4), 93-118. [In Persian].
- Tourani, H. (2014). Evaluating the lesson of the 7th-grade lifestyle. *Educational studies and Innovations*, 1(1), 22-25. [In Persian].

